

محاسبه سهم الارث وارثان ذوی الفروض از ماترک متوفی در فقه اسلامی (فقه فریقین)

محمد عیسی هاشمی^۱

چکیده

نحوه محاسبه سهم الارث وارثان از ترکه متوفی یکی از پیچیده بین احکام فقهی است. استحقاق سهام ارث در قرآن کریم گاهی به عنوان «فرض» مطرح و مقدار سهام هر وارث مشخص شده و صاحبان آن^۱ نیز معرفی شده‌اند. این سهام در فقه اسلامی شش سهم است که در کتب فقهی به نام سهام شش‌گانه معروف است. گاهی سهام ارث به عنوان «قربان» که مقدار سهام این قسم در قرآن مشخص نشده و به طور کلی خویشاوندان میت، صاحبان این سهام معرفی شده‌اند که با عنوان «اولو الارح» از آن یاد می‌شود. در این مقاله به قسم اول یعنی سهام بالفرض یا همان کسانی که سهامشان در قرآن مشخص شده، می‌پردازیم و سعی داریم سهام ارباب فروض، مصادیق و مواردی آن را در فقه و حقوق اسلامی در حد ظرفیت این مقاله بحث و بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: ذوی الفروض، سهم الارث، وارث، ماترک، متوفی

۱. گروه فقه قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، سمنگان، افغانستان.

مقدمه

ذوی الفروض یعنی ورثه که برای آن‌ها در شریعت اسلامی سهمی معینی در ترکه تعیین شده، دوازده نفرند. چهار نفر از آنان ذکورند که عبارتند از شوهر، پدر، پدرکلان (جد صحیح) و و برادر مادر و هشت نفر از آنان زن هستند که عبارتند از همسر، مادر، مادرکلان (جده صحیح)، دختر صلبی، دختر پسر، خواهر اعیانی، (خواهر پدری و مادری)، خواهر علای (خواهر پدری)، خواهر اخیافی (خواهر مادری). هرکدام از این ذوی الفروض در حالات مختلف سهم معینی از در ترکه متوفی دارند و احیاناً تحت شرایط خاص از میراث محروم می‌گردند.

فروض یا سهام معینه که در قرآن برای صاحبان فرض در نظر گرفته شده، شش فرض است (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۸: ۶۵-۶۷؛ قانون مدنی ایران: ماده ۸۹۵) که عبارت است از نصف (۱/۲)، ربع (۱/۴)، ثمن (۱/۸)، ثلثان (۲/۳)، ثلث (۱/۳) و سدس (۱/۶) است.

۱. صاحبان فرض نصف و شرایط آن‌ها

پنج نفر از افراد ورثه با وجود تحقق شرایط زیر، مستحق نصف ترکه هستند (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۲: ۴۰۲) که عبارتند از:

۱-۱. زوج

برای اینکه زوج ۱/۲ از ترکه زن خود ارث ببرد، لازم است که زوجه، فرزندی نداشته باشد، نه از آن شوهر و نه از شوهر دیگر و نه بدون واسطه و نه نوه و نبیره (نوه‌های پسری یا دختری)؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ»؛ (نساء: ۱۲) برای شما نصف دارایی به جای مانده از همسرانتان است اگر فرزندی نداشته باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۲: ۴۰۲) فرزند پسر (متوفی) به اجماع، حکم فرزند را دارد؛ زیرا لفظ ولد در آیه برای اینکه در معنای حقیقی و مجازی خود اعمال شود، شامل پسر و فرزند پسر می‌شود. (طهماز، ۱۴۳۰ هـ، ۲: ۲۵۴)



۲-۱. دختر

برای اینکه دختر ۱/۲ ارث ببرد، وجود دو شرط زیر لازم است: (وهبة الزحیلی، ۱۴۰۹، ۳۱۴:۸)

- الف. دختر تنها باشد؛ یعنی دختر دیگری همراه وی نباشد.
- ب. برادر نداشته باشد؛ زیرا اگر برادر باشد، دو برابر خواهر سهم الارث می برد و در نتیجه دختر ۱/۳ و پسر ۲/۳ می برد؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ»؛ (نساء: ۱۱) اگر ورثه تنها یک دختر باشد، نصف ترکه از آن او است.

۳-۱. دختر پسر

دختر پسر با وجود سه شرط ذیل ۱/۲ ارث را می برد: (قانون مدنی جمهوری اسلامی، ماده ۹۰۸؛ وهبة الزحیلی، ۱۴۰۹، ۳۱۵:۸)

- الف. تنها باشد؛ یعنی میت دختر پسر دیگر نداشته باشد.
- ب. برادری نداشته باشد تا وی را عصبه کند.
- ج. یکی از فرزندان متوفی مانند پسر یا دختر (که در واقع عمو و عمه او هستند)، همراه او نباشند.

دلیل این که دختر پسر با وجود تحقق شرایط قبلی ۱/۲ ارث را می برد، اجماع است که گفته اند: «همانا فرزند پسر متوفی، خواه پسر باشد خواه دختر، در ارث بردن جانشین و قائم مقام فرزند متوفی می شود». (طهماز، ۱۴۳۰، ۲: ۲۵۶؛ الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۲)

۴-۱. خواهر پدري و مادري (ابوينی)

خواهر پدري و مادري با وجود چهار شرط ذیل ۱/۲ ارث را می برد: (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۸: ۶۷؛ وهبة الزحیلی، ۱۴۰۹، ۳۲۰:۸)

- الف. متوفی فرع وارث از قبیل پسر یا دختر یا پسر پسر یا دختر پسر نداشته باشد.
- ب. عدم وجود وارث اصلی مانند پدر یا جد.
- ج. تنها باشد، در صورتی که وارث متوفی منحصر به یک خواهر ابویني با ابی باشد،

نصف ترکه را به فرض می‌برد و نصف دیگر را چون وارث دیگری نیست، خواهد برد.

(قانون مدنی ایران: مواد ۸۹۹ و ۹۱۷)

د. برادری نداشته باشد تا او را عصبه کند.

دلیل این که خواهر ۱/۲ ارث را می‌برد کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: «إِنْ أَمْرُؤُ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ»؛ (نساء: ۱۷۶) اگر مردی مُرد و فرزندی نداشت و دارای خواهری بود، نصف ترکه از آن او است.

۵-۱. خواهر پدری

خواهر پدری با وجود پنج شرط، مستحق ۱/۲ ارث می‌شود. همان چهار شرط قبلی که برای خواهر پدر و مادری ذکر شده و پنجم عدم وجود برادر یا خواهر پدر و مادری متوفی. (شهید ثانی، ۱۳۹۶: ۳۸؛ ۲۵۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ۲: ۴۰۲؛ الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۳)

دلیل اینکه خواهر پدری یک دوم (۱/۲) ارث را می‌برد، همان آیه است که بیانگر این است که خواهر پدر و مادری (۱/۲) ارث را می‌برد؛ زیرا به اجماع علما منظور از اخت در این آیه، خواهر پدر و مادری یا پدری است.

۲. صاحبان فرض یک چهارم و شرایط آن‌ها

دو نفر از ورثه با وجود تحقق شرایط زیر، مستحق (۱/۴) ترکه هستند (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸؛ ۲۵۸؛ قانون مدنی ایران، ماده ۹۰۰) که عبارتند از افراد ذیل:

۱-۲. زوج

برای این که زوج (۱/۴) ارث را از مال همسرش ببرد کافی است که زن فرزندی یا فرزندان پسر داشته باشد، خواه این فرزند از وی یا زوج دیگری بوده خواه مذکر یا مؤنث باشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸؛ ۲۵۸؛ قانون مدنی ایران، ماده ۹۰۰). زیرا خداوند متعال می‌فرماید: (فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَ) (نساء: ۱۲) «اگر زنان شما فرزند داشته باشند، سهم شما (زوج) ۱/۴ ترکه است»



۲-۲. زوجه یا زوجات

زوجه یا زوجات مستحق ربع ارث می‌شوند، اگر زوج فرزند یا فرزند پسر خواه از این زن و یا از زنان دیگر نداشته باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۹ ق: ۸: ۶۵؛ قانون مدنی ایران، ماده ۹۰۰) زیرا خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ) (نساء: ۱۲) برای زنان [شما] ترکه است، اگر فرزندی نداشته باشید.

۳. صاحبان فرض یک ششم و شرایط آن‌ها

زوجه یا زوجات یک ششم ترکه را ارث می‌برند، البته مشروط بر اینکه زوج، فرزند یا نوه پسری، خواه مذکر یا مؤنث داشته باشد. (نجفی، ۱۴۰۱، ۳۹: ۹۲-۹۳؛ قانون مدنی ایران: ماده ۹۰۱) این حکم با اجماع علما (ابن قدامه، بی‌تا: ۷: ۱۹؛ الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۵) و به دلیل قرآن ثابت شده است. خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ»؛ (نساء: ۱۲) اگر شما فرزندی داشتید، سهم زنان (۱/۸) ترکه است.

۴. صاحبان فرض دو سوم و شرایط آن‌ها.

چهار گروه از ورثه دو سوم از ترکه را ارث می‌برند؛ اما باید دارای شرایط زیر باشند: (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۸: ۶۷-۶۸)

۱-۴. دو دختر یا بیشتر از فرزندان متوفی

برای این که مستحق ۲/۳ ترکه شوند، شرط است که پسر متوفی همراه آن‌ها نباشد؛ چون اگر با آن‌ها پسر باشند، دو برابر آن‌ها ارث می‌برند و در نتیجه به دختران ۱/۳ می‌رسد که به طور مساوی میان آن‌ها تقسیم می‌شود. (قانون مدنی ایران: ماده ۹۰۲؛ یزدان پرست، ۱۹۹۱: ۱۴۷؛ الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۵)؛ دلیل این که این‌ها ۲/۳ ارث را می‌برند، کلام خداوند متعال است که می‌فرماید: «فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ»؛ (نساء: ۱۱) اگر فرزندان همه دختر بودند و تعدادشان (دو یا بیشتر از دو بودند، ۲/۳ ترکه سهم ایشان است.

۲-۴. دو دختر پسر متوفی یا بیشتر از آنها

دو دختر پسر متوفی با وجود دو شرط دوسوم ترکه را ارث می‌برند:

۱. کسی که آنها را عصبه کند، همراهشان نباشد.
۲. پسر یا دختر متوفی همراه آنها نباشد. (قرطبی، بی‌تا، ۱: ۱۱۳۶؛ جصاص، ۲: ۹۸؛ ابن عربی، بی‌تا، ۱: ۳۳۶) دلیل این‌که دختران پسر متوفی (۲/۳) ارث را می‌برند، قیاس آنها بر دختران متوفی یا داخل کردن آنها در لفظ دختران است و دلیل دیگر این حکم نیز اجماع است. (ابن قدامه، بی‌تا، ۷: ۱۱؛ ابن رشد، بی‌تا، ۶: ۱۸۸)

۳-۴. دو خواهر پدری و مادری یا بیشتر

با وجود سه شرط (۲/۳) ارث را می‌برند:

۱. برادر پدری و مادری نداشته باشد، چون اگر برادر داشته باشد، دو برابر خواهرها ارث می‌برد و بر مبنای فقه اهل سنت با وجود برادر، خواهر عصبه می‌شود.
۲. متوفی فرع وارث مذکر یا مؤنث نداشته باشد.
۳. متوفی، اصل وارث از قبیل پدر یا جدّ نداشته باشد. (الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۶) دلیل اینکه خواهران پدری و مادری دوسوم را ارث می‌برند، قول خداوند متعال است که می‌فرماید: «إِن كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ» (نساء: ۱۷۶) اگر دو خواهر باقی بماند ۲/۳ اموال را ارث می‌برند. سنت و اجماع هم آن را تأیید می‌کند. (محمد زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۱۰)

۴-۴. دو خواهر پدری یا بیشتر

این افراد با وجود چهار شرط ۲/۳ ارث را می‌برند: سه شرط قبلی که در مورد خواهران پدر و مادری ذکر شد و شرط چهارم این‌که متوفی برادر یا خواهر پدر و مادری نداشته باشد و نیز برادر پدری هم با آنها نباشد. (شهید ثانی، ۱۳۹۶، ۳۸: ۲۵۸؛ الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۶) چون اگر برادر پدری باشد، دو برابر آنها ارث می‌برد و در نتیجه به آنها ۱/۳ ارث می‌رسد نه ۲/۳. دلیل این مسئله علاوه بر آیه ۱۷۶ سوره نساء، اجماع علما است. (غامدی، ۱۴۲۳: ۹۲)



۵. صاحبان فرض یک سوم و شرایط آنها

دو صنف از ورثه ۱/۳ ارث را می‌برند (نجفی، ۱۴۰۷، ۳۹: ۹۴-۹۵؛ قانون مدنی جمهور اسلامی ایران: ماده ۹۰۳) که عبارتند از:

۱-۵. مادر

مادر با وجود دو شرط ذیل ۱/۳ ترکه را می‌برد:

الف. متوفی فرع وارث مذکر یا مؤنث، مانند پسر، دختر، پسرِ پسر و دخترِ پسر نداشته باشد.

ب. متوفی دو برادر یا بیشتر یا دو خواهر یا بیشتر، خواه پدر یا پدري و یا مادري نداشته باشد.

(الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۷) چون اگر این‌ها وجود داشته باشند، سهم

مادر از ۱/۳ به یک‌ششم کاهش می‌یابد.

دلیل ۱/۳ بودن ارث مادر بر اساس شروط قبلی، فرموده خداوند متعال است که

فرمود: (فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ)؛ (نساء: ۱۱) اگر متوفی دارای

فرزند نباشد و تنها پدر و مادر از او ارث ببرند، ۱/۳ ترکه به مادر می‌رسد.

۲-۵. برادران و خواهران مادری

برادران و خواهران مادری متوفی، خواه همه مذکر یا همه مؤنث یا مختلط باشند،

مادامی که بیشتر از یک نفر باشند ۱/۳ ترکه را برده و میان آن‌ها به‌طور مساوی و بدون

فرق بین مذکر و مؤنث تقسیم می‌شود. البته وجود دو شرط زیر برای استحقاق ۱/۳

این‌ها لازم است.

الف. متوفی فرع وارث از قبیل، پسر، دختر، پسرِ پسر و دخترِ پسر نداشته باشد.

ب. متوفی اصل وارث مانند پدر یا جد نداشته باشد. (الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۵)

دلیل ۱/۳ ارث آن‌ها فرموده خدای متعال است که فرمود: «فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ

فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ»؛ (نساء: ۱۲) اگر بیش از آن دو بودند، آنان در ۱/۳ باهم شریک

هستند.

همان‌طور که گفتیم ظاهر لفظ شریک بودن در آیه، مقتضی تساوی سهم مذکر و

مؤنث است. در بعضی حالات جدّ با برادران و خواهران ۱/۳ را می‌برند.

۶. صاحبان فرض یک ششم و شرایط آن‌ها

هفت صنف از ورثه باوجود شرایط زیر (۱/۶) ترکه را می‌برند.

۱-۶. پدر

پدر در صورت وجود فرع وارث برای متوفی از قبیل دختر، پسر، پسر پسر و دختر پسر، (۱/۶) ترکه را می‌برد؛ (وهبه الزحیلی، ۱۴۰۲، ۸: ۲۹۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۸: ۶۸-۶۹) اما اگر پدر با دختر یا دختر پسر متوفی باشد (۱/۶) با فرض می‌برد و اگر بعد از سهم صاحبان فرض، چیزی باقی بماند، مقداری زیادی از طریق خویشاوندی به پدر بازگردانده می‌شود نه به عنوان سهم القرانی، بلکه به عقیده اهل سنت مقدار زیادی آن را از طریق عصیبت می‌برد. (الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۹؛ یزدان پرست، ۱۳۹۱: ۱۵۶)

۲-۶. مادر

با وجود دو شرط زیر مادر ۱/۶ ترکه را ارث می‌برد: (نجفی، ۱۴۰۱، ۳۹: ۹۵؛ قانون مدنی ایران: ماده ۹۰۴)

- الف. متوفی فرعی وارث داشته باشد، چنان‌که در مورد ارث پدر ذکر شد.
 - ب. متوفی بیشتر از یک برادر یا خواهر پدر و مادری و یا مادری یا پدری یا مادری داشته باشد. خداوند متعال در مورد ارث این صنف (پدر مادر) می‌فرماید: «وَلَا بَوَّيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ»؛ (نساء: ۱۱) اگر متوفی دارای فرزند و پدر و مادر باشد، به هریک از پدر و مادر ۱/۶ ترک می‌رسد. در مورد شرط دوم، برای گرفتن (۱/۶) ترکه توسط پدر و مادر، خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ».
- (نساء: ۱۱)

۳-۶. برادر مادری و یا خواهر مادری

برادر مادری و خواهر مادری با وجود شرایط زیر ۱/۶ ارث را می‌برند: (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ۸: ۶۹؛ قانون مدنی ایران: ماده ۹۰۴؛ وهبه الزحیلی، ۱۴۰۹، ق، ۸: ۲۹۴-۲۸۹)

الف. فرع یا اصل متوفی همراهشان نباشد؛ زیرا سبب حبششان می‌شود.



ب. تنها باشد؛ اما اگر متعدد باشند، همان طور که قبلاً ذکر شد، ارث را می‌برند. خداوند متعال در مورد ارث این صنف می‌فرماید: «وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ»؛ و اگر مرد یا زنی که با او ارث می‌برند، کلاله بود و برادر یا خواهری داشت، سهم هریک از آن‌ها ۱/۶ ترکه است.

۴-۶. جد پدری

جد پدری با وجود شرایط زیر (۱/۶) ترکه می‌برد:

الف. متوفی فرع وارث داشته باشد، چنان‌که در مور پدر ذکر شد.

ب. پدر وجود نداشته باشد؛ زیرا پدر علت نزدیکی به متوفی، جد را حجب می‌کند. دلیل این‌که جد ۱/۶ ارث می‌برد، اجماع علما و آیه‌ای است که بر بردن ۱/۶ ارث توسط پدر دلالت می‌کند؛ زیرا جد در عرف شرع پدر نامیده می‌شود. (الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۱۹؛ ابن حزم، بی‌تا: ۲۷)

۵-۶. جدّه و یا جدّات وارث^۱

جدّه خواه از جهت پدر یا از جهت مادر باشد، در صورت نبود مادر متوفی، مستحق دریافت ۱/۶ ترکه می‌شود. هم‌چنین اگر جدّات وارث داشته باشند، مستحق ۱/۶ ترکه می‌شوند. مثلاً اگر مردی فوت کند و جدّه پدری و مادری داشته باشد، هر دو مستحق دریافت ۱/۶ ترکه شده و بین آن‌ها به‌طور مساوی تقسیم می‌گردد. علاوه بر این جدّه‌ای پدری توسط پسر خود - اگر زننده باشد - که همان پدر متوفی است حجب می‌شود؛ زیرا قاعده‌ای وجود دارد که هر کس با یک واسطه به متوفی منتسب شود، آن واسطه او را حجب می‌کند. (الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۳۱۹؛ بهوتی، ۱۳۹۴، ۴: ۴۷۰؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۵۰)

دلیل این‌که جدّه یا جدّات ۱/۶ ارث می‌برد، روایتی از پیامبر اکرم (ص) است به دو جدّات ۱/۶ ارث را داده‌اند. ترمذی (۲۱۰۲) و سایرین از قیصه بن دُویب روایت کرده‌اند: «جدّه‌ای نزد حضرت ابوبکر رضی الله عنه آمد و در مورد سهم ارث خود

۱. جدّه وارث، زنی است که در انتساب او به متوفی، مذکری بین دو مؤنث قرار نگرفته باشد. مانند مادر مادر، مادر پدر، مادر پدر پدر، اما جدّه غیر وارث مانند مادر پدر مادر.

از وی سؤال کرد، حضرت ابوبکر گفت: در قرآن خدا و سنت رسول خدا^(ص) ارثی برای تو در نظر گرفته نشده است، برگرد تا از مردم بپرسم شاید چیزی بدانند. مغیره بن شعبه گفت: من نزد رسول خدا^(ص) بودم و ایشان به جدّه از ارث را دادند. حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت: آیا کسی دیگری همراه تو شهادت می‌دهد؟ محمد مسلمه انصاری مانند سخن مغیره بن شعبه را گفت، حضرت ابوبکر نیز این حکم را در مورد جدّه اعمال کرد». در روایت دیگری آمده است که جدّه دیگری نزد حضرت عمر بن خطاب رفت و درباره سهم ارث خود سؤال کرد. حضرت عمر بن خطاب گفت در قرآن، چیزی برای تو تعیین نشده است؛ اما ارث تو ۱/۶ همان است، پس اگر دو نفر جدّه باهم بودید ۱/۶ به طور مساوی به شما دو نفر تعلق می‌گرفت و اگر یکی از شما باقی ماند ۱/۶ به وی تعلق می‌گیرد.

اساس استدلال ارث جدّه، سنت و اجماع است. (غامدی، ۱۴۲۳: ۸۲؛ ابن عابدین، ۱۹۸۶، ۶: ۷۷۲؛ فرضی حنبلی، ۱۳۷۲، ۱: ۷۴) و از پیامبر روایت شده که وی جدّه را هرگاه با وی مادر نباشد، یک ششم تعیین فرموده است. (بیهقی، ۱۳۴۴: ۱۲۶۵۸ و ۱۲۷۱۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۳۷، ۵: ۳۲۲)

۶-۶. یک دختر پسر یا بیشتر

دختر پسر یا دختران پسر با وجود سه شرط زیر (۱/۶) ارث را می‌برد:

الف. یک دختر متوفی همراه آنها باشد.

ب. متوفی فرزند پسر نداشته باشد.

ج. پسر پسر همراه آنها نباشد تا آنها را عصبه کند. (یزدان پرست، ۱۹۹۱: ۱۶۶؛ الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۳۲۰) در صورت تحقق این شرایط، دختر پسر یا دختران پسر (۱/۶) ارث را که تکمه الثلثین است^۱ می‌برند.

دلیل این حکم روایت امام بخاری (۶۳۵۵) از ابو موسی اشعری است که در مورد ارث یک دختر، یک دختر پسر و یک خواهر از او سؤال شد، در جواب گفت دختر ۱/۲ و خواهر ۱/۲ را می‌برد، البته نزد ابن مسعود هم برو، او نیز مرا تأیید می‌کند

۱. سهم دختران و خواهران (به غیر از حالت رد) از دوسوم (۲/۳) بیشتر نمی‌رود.



(همین حکم را خواهد داد). بعد از آن از ابن مسعود سؤال شد، او هم سخن ابوموسی را تکرار کرد و گفت: اگر در مسئله‌ای که پیامبر^(ص) در آن قضاوت نموده است، دست به اظهار نظر و اجتهاد شخصی بزنم، گمراه شده‌ام و از هدایت شدگان نیستم، همانا پیامبر^(ص) در چنین مسئله‌ای به دختر ۱/۲، به دختر پسر ۱/۶ که تکمله «الثلاثان» است و باقی مانده را به خواهر داده است. نزد ابوموسی رفتیم و حرف ابن مسعود را برای او گفتیم. وی نیز گفت: مادامی که چنین دانشمندی در میان شما است، از من نپرسید. (صحیح بخاری، ۱۴۲۲: ۶۷۳۶؛ ابوداود، بی‌تا: ۱۵۹ و ۲۸۹۲؛ ترمذی بی‌تا: ۹۹ و ۲۰۹۳)

۶-۷. یک خواهر پدری و یا بیشتر

خواهر یا خواهران پدری، با وجود شرایط زیر ۱/۶ ارث را می‌برد: (فرض حنبلی، ۱۳۷۲، ۱: ۴۶۲)

الف. متوفی فرعی وارث از قبیل پسر، دختر، پسر پسر و یا دختر پسر نداشته باشد.

ب. متوفی اصل وارث مانند پدر و جد پدری نداشته باشد.

ج. متوفی برادر پدر و مادری نداشته باشد.

د. یک خواهر پدر و مادری همراه خواهر یا خواهران پدری باشد.

ه. برادر پدری همراه او نباشد تا او را عصبه کند.

دلیل این حکم، اجماع و قیاس ارث خواهر و خواهران پدری، بر ارث دختر یا دختر پسران با یک دختر متوفی است. (الخن و دیگران، ۱۳۹۳، ۲: ۲۹۳؛ وهبه الزحیلی، ۱۴۰۹، ۸: ۷۷۵۲)

جدول ذوی الفروض و حق ارث هرکدام

شماره	فرض و یا سهم	مستحق	شرط استحقاق	دلیل استحقاق
اصحاب نصف	۱	نصف (۱/۲)	زوج	وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلٌ (نساء: ۱۱)
	۲	نصف (۱/۲)	بنت صلبی	وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ (نساء: ۱۱)
	۳	نصف (۱/۲)	بنت ابن	اجماع
	۴	نصف (۱/۲)	خواهر اعیانی	يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرُو هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ (نساء: ۱۷۶)
	۵	نصف (۱/۲)	خواهر علاتی	يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أَمْرُو هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ (نساء: ۱۷۶)
اصحاب ربع	۱	ربع (۱/۴)	زوج	فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ (نساء: ۱۲)
	۲	ربع (۱/۴)	زوجه	وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ (سوره نساء: ۱۲)
اصحاب ثمن	۳	ثمن (۱/۸)	زوجه و یا زوجات	إِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ (نساء: ۱۲)



اصحاب ثلثین	۱	ثلثان (۲/۳)	دو بنت و یا زیاده از آن	میّت پسر نداشته باشد.	فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ (نساء: ۱۱)
	۲	ثلثان (۲/۳)	دو بنت ابن و زیاده از آن	میّت - پسر، دختر و ابن ابن (پسر پسر) نداشته باشد.	اجماع
	۳	ثلثان (۲/۳)	دو خواهر اعیانی و یا زیاده از آن	میّت پدر، پسر، دختر پسر (بنت ابن) و برادر اعیانی نداشته باشد.	فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ (نساء: ۱۷۶)
	۴	ثلثان (۲/۳)	دو خواهر علاتی و زیاده از آن	میّت پدر، پسر، دختر ابن ابن (پسر پسر)، بنت ابن (دختر پسر)، برادر اعیانی، خواهر اعیانی و برادر علاتی نداشته باشد.	
اصحاب ثلث	۱	ثلث (۱/۳)	مادر	میّت اولاد نداشته باشد و دو نفر خواهر یا برادر و زیاده از آن موجود نباشد.	فَإِنْ لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِلْأُمِّهِ الثُّلُثُ (نساء: ۱۱)
	۲	ثلث (۱/۳)	دو نفر برادر و خواهر مادری و زیاده از آن	میّت پسر، پدر، پدر کلان، دختر، دختر پسر، پسر پسر نداشته باشد.	فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ (نساء: ۱۲)



۱	سدس (۱/۶)	پدر	میّت اولاد داشته باشد.	وَلَا يُوَيِّهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ (نساء: ۱۱)
۲	سدس (۱/۶)	جد صحیح	میّت اولاد داشته باشد و پدر موجود نباشد.	اجماع
۳	سدس (۱/۶)	خواهر یا برادر مادری (اخیا فی)	یک نفر باشد، میّت پسر، پدر، پدر کلان، دختر، پسر پسر و دختر پسر نداشته باشد.	وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ (نساء: ۱۲)
۴	سدس (۱/۶)	بنت ابن (دختر پسر)	میّت یک نفر بنت صلبی داشته باشد و پسر و پسر پسر موجود باشد.	حدیث قصه ابن مسعود طوری که فرمودند: اقضى فيها بما قضى النبی صلی الله و سلم لابنة النصف و لابنة الابن السدس تکلمه للثلثین.
۵	سدس (۱/۶)	خواهر یا خواهران علّاتی	میّت یک نفر خواهر اعیانی داشته باشد و پدر، برادر اعیانی و برادر علّاتی موجود نباشد.	اجماع
۶	سدس (۱/۶)	مادر	میّت اولاد داشته باشد و یا دو نفر و یا زیاده از آن خواهر یا برادر موجود باشد.	وَلَا يُوَيِّهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ (نساء: ۱۱)
۷	سدس (۱/۶)	جدّه و یا جدّات صحیحّه	مادر موجود نباشد.	حدیث قصه ابی بکر مغیره بن شعبه و محمد بن سلمه

نتیجه‌گیری

ذوی الفروض یعنی ورثه‌ای که برای آن‌ها در شریعت اسلامی سهمی معینی در ترکه تعیین شده، دوازده نفرند. چهار نفر از آنان ذکورند مثل زوج، پدر، جد صحیح و اخ الام و هشت نفر آنان اناثند که عبارتند از زوجه، ام (مادر)، جدّه صحیحّه، دختر



صلیبی، دختر پسر، خواهر اعیانی، (خواهر پدری و مادری)، خواهر علاتی (خواهر پدری)، خواهر اخیافی (خواهر مادری). فروض یا سهام معینه که در قرآن برای صاحبان فرض در نظر گرفته شده، شش فرض است که عبارت است از نصف ($1/2$)، ربع ($1/4$)، ثمن ($1/8$)، ثلثان ($2/3$)، ثلث ($1/3$) و سدس ($1/6$).

فهرست منابع

قرآن الكريم

١. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن محمد رازى، (١٣٧١ق)، الجرح والتعديل، بيروت: داراحياء التراث العربى، الطبعة الاولى.
٢. ابن حجر، احمد بن على العسقلانى، (١٣٢٦ق)، تهذيب التهذيب، هند: دائرة المعارف النظاميه.
٣. ابن حزم، ابو محمد على بن احمد اندلسى، (بى تا)، مراتب الاجماع مع اضافات ابن تيميه، بيروت: دار الكتب العلميه.
٤. ابن رشد، ابوليد محمد بن احمد، (بى تا)، بداية المجتهد و نهاية المجتهد، مصر: مطبعة الاستقامة، بى تا.
٥. ابن عابدين، محمد امين، (١٩٨٦م)، حاشيه ابن عابدين على الدر المختار للحصكفى على تنوير الابصار للتمر تاشى، قاهره: مصطفى البانى الحلبي.
٦. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (بى تا)، المغنى فى فقه الامام احمد بن حنبل شيبانى، بيروت: دار الحديث.
٧. ابو داود، سليمان بن اشعث سجستانى، (بى تا)، سنن ابى داود، بيروت: دار الكتب العربى.
٨. بخارى، محمد بن اسماعيل، (١٤٢٢ق)، الجامع المسند الصحيح، (تحقيق: محمد زهير بن ناصر)، بى جا: دار طوق النحاة.
٩. بهوتى، منصور بن يونس بن ادريس، (١٣٩٤ق)، كشف القناع عن متن الاقناع، مكه مكرمه: مطبعة الحكومه.
١٠. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين، (١٣٤٤ق)، السنن الكبرى وفى ذيله الجوهر التقى، حيدر آباد هند: مجلس دائره المعارف النظاميه الكائنه.
١١. ترمذى، محمد بن عيسى الترمذى، (بى تا)، الجامع الصحيح السنن، (التحقيق: احمد محمد شاكر وديگران)، بيروت: دارالاحياء التراث العربى.



۱۲. جصاص، ابوبكر، احمد بن على رازى، (۱۴۰۵ ق)، احكام القرآن، (تحقيق: محمد صادق قمحاوى)، بيروت: داراحياء التراث العربى.
۱۳. الخن، مصطفى، البغا، مصطفى و الشريجى، على، (۱۳۹۳)، فقه منهجى، (ترجمه: محمد عزيز حسامى و فرزاد پارسا)، سنندج: انتشارات كردستان.
۱۴. زحيلى، محمد، (۲۰۰۱ م)، الفرائض و المواريث و الوصايا، دمشق - بيروت: دار الكلم الطيب.
۱۵. شهيد ثانى، زين الدين بن على عاملى، (۴۱۱۹ ق)، الروضة البهيه، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۱۶. شهيد ثانى، زين الدين بن على، (۱۳۹۶)، الروضة البهيه فى شرح اللمعة الدمشقية، قم: موسسه مطبوعاتى اسماعيليان.
۱۷. طهماز، عبد الحميد محمود، (۱۴۳۰)، الفقه الحنفى فى ثوبه الجديد، دمشق: دار القلم.
۱۸. غامدى ناصر بن محمد بن مسرى، (۱۴۲۳ ق)، الخلاصة فى علم الفرائض، مكه مكرمه: دار طيبه الخضراء.
۱۹. فرضى حنبلى، (۱۳۷۲ ق)، العذاب الفائض شرح عمدة الفارض، قاهره: نشر مصطفى البانى الحلبى.
۲۰. موسى خمينى، سيد روح الله، (۱۳۸۵)، ترجمه تحرير الوسيله، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار موسى خمينى.
۲۱. نجفى، محمد حسن، (۱۴۰۱ ق)، جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت: دار الاحياء التراث العربى.
۲۲. وهبة زحيلى، (۱۴۰۹ ق)، الفقه الاسلامى و ادلته، دمشق: دارالفكر.
۲۳. يزدان پرست، يونس، (۱۳۹۱)، ارث در فقه اسلامى، تهران: نشر احسان.

